۲۹ امدادگر هلال احمر زخمی شدند

اشکان موسوی، رئیس روابط‌عمومی جمعیت هلال احمر: متأسفانه در حملات ۱۲روزه رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، ۵ امدادگر شهید شده‌اند. همچنین در این بازه زمانی ۲۹ امدادگر در عملیات‌های مختلف در سراسر کشور زخمی و برخی از این مصدومان دچار شکستگی دست و پا شده‌اند.

جزئیات اعزام زائران به عتبات در دهه اول محرم

مرتضی آقایی، معاون امور عتبات‌عالیات سازمان حج و زیارت: اعزام زائران به عتبات‌عالیات در جنگ ۱۲روزه به‌صورت زمینی انجام می‌شد و این امر همچنان با ثبت‌نام متقاضیان ادامه دارد. در حال حاضر، هم کارگزاران و هم شرکت‌های مجری می‌توانند روند ثبت‌نام زائران را انجام دهند.

صفحه‌آرا: بهروز قلی‌پور

با هیئت

نگذارید خانواده شهدا احساس غربت کنند

میثم مطیعی، مداح اهل‌بیت(ع): به همه مداحان، خطبا و هیئتی‌ها پیشنهاد می‌کنم که راه اثرگذاری را در هیئت‌ها پیدا کنید. از ما اثرگذاری بیشتری انتظار است. به مداحان اهل‌بیت(ع) پیشنهاد می‌کنم که منتظر دعوت نباشید، بروید مجلس شهید را پیدا و حماسه برپا کنید؛ مخصوصا شهدایی که غریبانه دفن می‌شوند و مجلسی برایشان گرفته نمی‌شود. نگذارید خانواده شهیدی احساس غربت کند؛ موکب بزنید و چای و شربت به مردم بدهید و نواهای حماسی بگذارید. ماشین راه بیندازید. نمی‌دانم حاجی بخشی را یادتان می‌آید یا نه؟ می‌آمد بلوار کشاورز بلندگو می‌گذاشت و نواهای جبهه را پخش می‌کرد و تا آخر عمر این کار را انجام می‌داد. ما همه باید حاجی‌بخشی باشیم. تعداد ندارید؟ چند پرچم دست بگیرید و صدای حماسی پخش کنید و نگذارید جامعه در سکوت برود.

محرم

مردم اشتباه محاسباتی دشمن را به رخشان کشیدند

حمید علیمی، ستایشگر اهل بیت(ع): رئیس‌جمهور آمریکا گفته است که عظمت را می‌خواهیم به ایران برگردانیم. خبر ندارند که عظمت برگشته و همه با هم هستند. خیلی خوشحالم فضایی که در دهه ۶۰ دیدیم، دوباره دیدم، این دفاع دوباره تکرار شد. ما هیچ‌وقت نجنگیدیم و دفاع کردیم. یادم می‌آید که پدافند اصفهان کار می‌کرد، مردم در پارک نشسته و با هم بودند و خیلی عادی بود. این ژن ایرانی‌هاست؛ شجاعت و جسارتشان با توکل به خدا گره خورده است. عدو سبب خیر شد. شاید اگر سال‌ها با بودجه کلان می‌خواستند مردم را یکی کنند تا پشت هم باشند، نمی‌شد، اما امروز کسانی با هم هستند که کسی فکرش را نمی‌کرد چون همه‌چیز حول محور مردم است و همه فهمیدند تا با هم نباشیم هیچ‌چیز نمی‌شود. مردم در تشییع، اشتباه محاسباتی دشمن را به رخشان کشیدند.

خداحافظی ایران با اتباع غیرمجاز

رئیس مرکز امور اتباع خارجی وزارت کشور در تلویزیون همشهری: حدود ۳میلیون و ۴۰۰ هزار تبعه غیرمجاز به افغانستان برمی‌گردند

عکس: همشهری/ رضا نوراله

گفت‌وگو

لیلا شریف-فهیمه طباطبایی
روزنامه‌نگار

ساماندهی اتباع غیرمجاز در ایران (که نزدیک به ۴ میلیون نفر هستند)، یکی از دغدغه‌های مردم قبل از جنگ تحمیلی اسرائیل بود که وزارت کشور آن را از ابتدای سال ۱۴۰۴ آغاز کرد و در روزهای پس از آتش‌بس شدت گرفت. پس از جنگ ۱۲روزه به واسطه کشف برخی اسناد جاسوسی، مردم بیش از گذشته از دولت این مطالبه را دارند که اتباع غیرمجاز باید ساماندهی و تعیین تکلیف شوند. در این باره با نادر یاراحمدی، مشاور وزیر کشور و رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی گفت‌وگو کرده‌ایم که چکیده آن را در ادامه می‌خوانید. ویدئوی کامل این گفت‌وگو در تلویزیون همشهری و متن کامل آن در همشهری آنلاین موجود است.

حضور بیش از ۶ میلیون تبعه افغانستانی

امروز افکار عمومی و حتی اتباع از ما برنامه می‌خواهند و می‌گویند که در کشور شما چه کنیم که بمانیم و مردم هم می‌گویند که چه برنامه‌ای برای اتباع دارید. ما فرقمان با سایر کشورهای دیگر این است که تعداد بالایی از اتباع در کشور ما حضور دارند. ۶میلیون و ۱۰۰هزار تبعه مجاز و غیرمجاز داریم که براساس استاندارد جهانی حداکثر ۲میلیون و ۷۰۰هزار نفر می‌توانند در کشور ما حضور داشته باشند.

تضمین برای عدم بازگشت اتباع غیر مجاز

الان ۸۰ درصد از کسانی که به ایران می‌آیند از طریق مرزهای پاکستان وارد می‌شوند. همکاری‌های منطقه‌ای شروع شده که بتوانیم جلوی ورود این افراد را از مرزهای زمینی بگیریم. محدودیت‌هایی ایجاد می‌شود و شرایط هر روز بهتر خواهد شد. نه تنها برای افغانستانی‌ها بلکه برای تمام خارجی‌ها. شرایطی در کشور وجود دارد که اتباع می‌توانند به عنوان سرمایه‌گذار در ایران بمانند و اقامت بگیرند. تا ۲سال قبل، شرایطی تسهیل شده بود که آنها با پرداخت ۴۰تا۱۰۰میلیون تومان می‌توانستند در ایران بمانند اما در این دوره، تمام آن تسهیلات را باطل کردیم؛ به عنوان مثال در گذشته ۱۰۰میلیون تومان پرداخت می‌کردند که بتوانند در کشور ما از اقامت‌های موقت استفاده کنند، ما تمام این روش‌ها را باطل کردیم و گفتیم بیایند و پولشان را پس بگیرند.

میزبان ۴۰ میلیون افغانستانی در ۴۰ سال بودیم

اگر تعداد نفراتی را که در کشور ما چند بار آمده‌اند و رفته‌اند، لحاظ کنیم، به آماری بیش از جمعیت فعلی افغانستان می‌رسیم. جمعیت افغانستان نزدیک به ۴۰ میلیون نفر است، ما بیش از این آمار را در ۴۰ سال گذشته به عنوان مهمان پذیرفته‌ایم. این رقم شامل مجموع افرادی است که به صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت در ایران خدمات دریافت کرده‌اند. هیچ کشوری مانند ما اینگونه میزبان اتباع خارجی نبوده است. مسئولیت پرداخت یارانه‌ها بر عهده بنده نیست اما براساس بودجه ۱۴۰۴ باید گفت که هر ایرانی بیش از ۲۰۰هزار تومان هرماه به‌عنوان یارانه نان دریافت می‌کند و اتباع افغان هم همین میزان یارانه را می‌گیرند؛ نه اینکه به شکل مستقیم برای اتباع چنین یارانه‌ای اختصاص داده شود، شرایط به گونه‌ای است که اتباع از این یارانه‌های مختلف مانند انرژی، حمل‌ونقل و... بهره‌مند می‌شوند. تمام اتباعی که دانش‌آموز هستند، بدون اینکه پولی پرداخت کنند از این یارانه برخوردار می‌شوند. ما از دولت درخواست کردیم که آموزش برای اتباع رایگان نباشد و امیدواریم که هیأت وزیران این موضوع را مصوب کند.

اعلام آمادگی برای آموزش از راه دور

من بسیار متأسفم که دختران در افغانستان بیشتر از ۶ کلاس نمی‌توانند ادامه تحصیل بدهند. این موضوع تحصیل دختران یکی از نکاتی است که شاید بازگشت آنها را به کشورشان سخت می‌کند، برای این موضوع هم ما اعلام آمادگی کردیم که آموزش از راه دور را انجام دهیم. امسال تلاش کردیم تا کسانی امکان ثبت نام در مدرسه را داشته باشند که یک سند هویتی قانونی مانند گذرنامه یا آنچه ما در اختیارشان گذاشته‌ایم همراه داشته باشند اما افراد غیرمجاز دیگر نمی‌توانند از خدمات آموزشی و بهداشتی ما بهره‌مند شوند. این شرایط برخی خانواده‌ها را نگران کرده است. ما پیشنهاد آموزش از راه دور را دادیم که بتوانند در کشور خود در کلاس‌های ایران شرکت کنند.

یادداشت

عباس رضایی ثمرین، روزنامه‌نگار

میراث سرلشکر؛ عقلانیت انسجام و آینده‌نگری

۱ صبح روز دهم بود. حسینیه میرزا اسماعیل دولابی مثل هر سال، موج می‌زد از سیاهپوشانی که آرزو می‌کردند کاش صبح عاشورا طلوع نکند. در میان جمعیت، مردی با موهای جوگندمی نشسته بود؛ بی‌تکلف، بدون محافظ و بدون تشریفات. اگر نمی‌دانستی، باورت نمی‌شد این مرد رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران است. این البته اولین بار نبود که سرلشکر باقری را آنجا می‌دیدم. هر سال در دهه محرم، به حسینیه می‌آمد و پای روضه حاج ماشاالله عابدی می‌نشست.

۲ برادران باقری، دو روی سکه دفاع از ایران بودند. حسن، نابغه اطلاعات و عملیات که در اوج جوانی در جنگ تحمیلی شهید شد، و محمد که ۴دهه بعد، در کسوت رئیس ستاد کل به شهادت رسید. محمد باقری، فراتر از میراث برادر شهیدش، هویتی مستقل در تاریخ ایران ساخت. او نماد عقلانیت در ساختار نظامی کشور بود؛ فرماندهی که می‌دانست قدرت نظامی بدون پشتوانه اجتماعی، بنیانی سست دارد؛ درکی که ریشه در مطالعات عمیق او از تحولات اجتماعی ایران و منطقه داشت.

۳ نوروز ۱۴۰۴، تصویری از شهید باقری منتشر شد که برای بسیاری غافلگیرکننده بود؛ او عید نوروز را از کنار تخت جمشید به مردم ایران تبریک گفت و این تصویر، به زعم نگارنده در فهم شخصیت و نگاه این فرمانده بسیار تعیین‌کننده است. در روزهایی که برخی کنشگران و تریبون‌داران بر طبل واگرایی می‌کوبیدند، باقری در کنار میراث هخامنشیان ایستاد و با ایرانیان سخن گفت و این اقدام، بازتاب درک عمیق او از تحولات جامعه‌شناختی ایران بود. باقری این را می‌دانست که در بزنگاه‌های تاریخی، آنچه بیش از همه مفاهیم، شعارها و گفتمان‌ها ملت را سرپا نگه می‌دارد، حس تعلق به سرزمین است؛ جنگ اخیر صحت تحلیل و نگاه دوراندیشانه او را به اثبات رساند.

۴ شهید باقری استراتژیستی بود که ذهنش در آینده سیر می‌کرد. کسانی که طرف مشورت با او بودند، جملگی از نبوغ و خلاقیتش در طراحی راهبردهای دفاعی می‌گویند. او می‌دانست امنیت ملی، معادله‌ای چندوجهی است که در آن، متغیرهای متعدد دیگری نیز در کنار توان نظامی اهمیت دارد. او معادلات امنیت ملی را در بستر واقعیت‌های اجتماعی می‌فهمید و گاهی ذهن‌های ساده‌اندیش که توان فهم این معادلات پیچیده را نداشتند، مواضع او را برنمی‌تابیدند؛ اما حقیقت این است که باقری، فراتر از جناح‌بندی‌های سیاسی می‌اندیشید و دغدغه‌اش ایران بود. و در پایان، سرلشکر باقری در راه دفاع از ملت و تمامیت ارضی ایران رفت؛ همان گونه که برادرش رفته بود.

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

کشف استعداد در تکیه

داخل هیئت، یک طرف محمدصدرا نشسته و با کشدار کردن دم و بازدمش، عضلات دیافراگم خود را برای خوش‌صدایی در مداحی، ورزش می‌دهد. طرف دیگر، عادل باوسواس روی فرش‌ها را جارو می‌زند. امیدی می‌گوید: «استعداد محمدصدرا در مداحی را ۲سال پیش کشف کردیم و با حمایت خانواده‌اش کمک کردیم به‌طور تخصصی صداسازی یاد بگیرد.» تا مداح کوچک، شعر «از شام و کوفه با خود نشان آورده‌ام، موی سپید و قد کمان آورده‌ام...» را دم می‌گیرد، امین با سینی چای وارد تکیه می‌شود. پشت‌بندش صدای علیرضا به گوش می‌رسد: «بچه‌ها، برنامه هفتگی این چهارشنبه مشخص شده؛ قرآن‌خوانی همراه با معنی و تفسیر، کارگاه نقاشی و خطاطی... آموزش تصویربرداری و نمایش هم ان‌شاءالله بعد از سوم امام، برقرار می‌شود.»

لبیک یا حسین

تماشای گزارش

نمایشگاه‌های خاص

تنوره سماور بزرگ و قدیمی تکیه را آتش کرده‌اند تا شب که تکیه پر از جمعیت می‌شود، قهوه‌ها را لب‌سوز و لب‌دوز به دست عزاداران برسانند. از کسانی که صبح برای تماشای تعزیه آمده بودند با چای و شربت و شیرینی پذیرایی کرده‌اند، اما از پامنبری‌های وعاظ و سخنرانان تکیه که تا غروب جمع می‌شوند، به رسم قدیم تکیه با قهوه پذیرایی می‌شود. غرفه‌ای که هر سال به نمایشگاهی از تصاویر شهدای محله تجریش تبدیل می‌شود، امسال پروپیمان‌تر شده و تصاویر شهدای محل و سرداران و فرماندهانی که در جنگ تحمیلی اسرائیل از میان ما رفتند، به این آلبوم افزوده شده‌اند. تصاویر خادمان و پیرغلامان تکیه که به رحمت خدا رفته‌اند، در غرفه دیگری چیده شده‌اند. در میان این چهره‌ها تصویر مرحوم حاج‌محمدباقر سامعی که خرداد سال ۱۴۰۰ از دنیا رفته، بیشتر جلب توجه می‌کند. او مدیر تکیه بوده و تولیت آن را حسینعلی کشتکار بر عهده دارد که از نسل حاج‌حسنعلی تجریشی است. تولیت تکیه نسل‌به‌نسل منتقل می‌شود، اما نماینده سازمان اوقاف و امور خیریه که حکم مدیر تکیه را دارد، هر سال تغییر می‌کند.

۱۱ماه کاسبی یک ماه عاشقی

آداب قدیمی تکیه تجریش هنوز پابرجاست

گزارش

رابعه تیموری
روزنامه‌نگار

حدود ۲۰۰سال قبل که هر یک از طایفه‌های دهکده تجریش روی ستون چوبی تکیه برای خودشان طاق‌نمایی مجزا ساختند، در ۱۱ماه سال، این طاق‌نماها محل دادوستد و دیدوبازدید طایفه‌ها بود و در ایام سوگواری سیدالشهدا(ع) به محل تماشای تعزیه و شرکت در مراسم عزاداری تبدیل می‌شد. هنوز هم در حجره‌هایی که جای آن طاق‌نماها را گرفته‌اند، همین رسم و سنت پابرجاست و با رسیدن ماه محرم کاسبانی که در این بنای موقوفه در سایر ایام سال به کاسبی مشغول بوده‌اند، بند و بساط کارشان را جمع و حجره‌هایشان را سیاه‌پوش کرده‌اند تا این روزها را به میزبانی عزاداران حسین(ع) بگذرانند.

در قلب یک بازار پرهیاهو

وقتی غرفه‌های پررنگ‌وبوی بازارچه تجریش را پشت سر می‌گذاری و از درگاه خشتی تکیه وارد حیاط آن می‌شوی، هیاهوی بازار و دنیای میوه‌ها و خوراکی‌های خوش‌بورو یکباره و یک‌جا پشت در چوبی تکیه جا می‌ماند. کاسبان حجره‌های تکیه هم که صبح مشغول پذیرایی از تماشاچیان تعزیه‌خوانی گروه نی‌نوا بوده‌اند، حالا در شاه‌نشین تکیه مشغول استراحتند. بنا بر سند موقوفه تکیه، کاسبان حجره‌های داخل حیاط ۱۱ماه می‌توانند بدون پرداخت اجاره کاسبی کنند، اما از اول دهه محرم تا اواسط ماه صفر حجره‌هایشان به محل پذیرایی از مردان عزادار تبدیل می‌شود. بانوان در طبقه دوم تکیه جمع می‌شوند که شکل و شمایل پنجره‌های چوبی ارسی‌مانندش به نورگیرهای طاق‌نماهای قدیمی تکیه بی‌شباهت نیست.

میانداری دهه نودی‌ها

درباره هیئتی که کلیددارش، نوجوان‌ها هستند

زندگی

سحر جعفریان‌عصر
روزنامه‌نگار

نه قدیمی است و نه بزرگ با علم و علامت‌هایی با تیغه‌های پرشمار و شاه‌تیغه شیرنشین و شال و کتیبه‌های مخملی. حتی یکی، پیرغلام و مداح و سخنران نام‌ونشان‌دار به آن آمد و شد ندارد. روی اجاق گاز آشپزخانه‌اش هم نذری‌های پروپیمان، لعاب عطر و طعم نمی‌اندازد. با این همه اما هیئت ستارگان مسجد نظام‌مافی، خاص و ویژه است؛ اول به بهانه اعضای قد و نیم‌قد دهه نودی و تعدادی هم اواخر دهه ۸۰ و دوم به سبب فعالیت‌های آموزشی و تفریحی مداوم و متمایزی که طی سال انجام می‌دهند. محرم ۱۴۴۷، چهارمین سالی است که بچه‌هیئتی‌های کم‌سن‌وسال، پشت به پشت هم می‌دهند و تکیه را زاویه‌ای از حیاط مسجد نظام‌مافی حوالی جنت‌آباد جنوبی برپا می‌کنند و بعد، هر یک به کاری در هیئت دست می‌جنبانند. مثل امیرمهدی، یاسین و امیرسام که خرده استعدادشان در آشپزی به کارکشتگی رسیده و به ذائقه عزاداران امروزی نذری‌های متفاوت از ساندویچ جوجه تنوری، بندری، سمبوسه تا پاستا، سیب‌زمینی سرخ‌شده و فینگرفود کبابی می‌پزند. یا مثل امیر، عماد و پویان که از سر علاقه به کافه‌داری، مسئول تدارک نوشیدنی‌های خوشمزه از چای تازه‌دم و شربت خنک تا آبمیوه‌های هویج و سیب و گاهی طالبی هستند. سیدمحمد و امین هم که چون به قدر کفایت ریزه و فرز هستند، اوقات روضه‌خوانی یا مداحی محمدصدرا چای گردانی می‌کنند. محمدرضا، حمید، ایمان و سجاد نیز به امور رسانه، دکور و صندوق‌داری مشغولند.

کوچک اما حسینی و آب‌دیده

۴سال می‌گذرد از روزی که طاها امیدی و احسان گنجعلی‌نژاد، مربیان فرهنگی مسجد نظام‌مافی تصمیم گرفتند زیر بیرق امام‌حسین(ع) برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، مذهبی و تفریحی ویژه کودکان و نوجوانان محل را سروسامان دهند؛ تصمیمی که اقبال داشت و متولیان، امام جماعت، نمازگزاران مسجد و والدین حسابی از آن استقبال کردند. هر یک به قدر توانایی، بخششی کرد؛ یکی، دست به جیب شد و نذرش را نقد حساب کرد. دیگری، بنکدار بود و اجناسی مانند روغن نباتی، ادویه و گوشت مرغ، خیرات داد. بعضی نیز با تخصص‌شان از برق‌کاری تا مهارت‌آموزی پا پیش گذاشتند. این شد که امیرعباس ۷ساله تا محمد ۱۹ساله به تکیه ستارگان نظام‌مافی زانو زدند برای عزاداری و مهارت‌آموزی(رایانه، تدوین، مکانیکی، آشپزی، مداحی)؛ اتفاقی، خیر و ثواب که محمدعلی نظام‌مافی (واقف مسجد) نیز از برکتش بهره می‌برد.

هیئت‌داری دهه نودی‌ها

سجاد پای صندوق کوچک هیئت که دستگاه کارتخوان رویش قرار گرفته، ایستاده است: «صندوق برای جمع‌آوری نذورات است؛ از ۱۰هزارتومان تا هر قدر می‌توانند.» مقابلش، آشپزخانه است که از درش هم بوی سوسیس‌های تفت‌خورده کوکتل بیرون می‌آید هم امیرسام؛ «یاسین، تمام نشد شستن سیب‌زمینی‌ها؟!» و یاسین که هن‌هن‌کنان با آبکشی انباشته از سیب‌زمینی‌های تروتمیز نمایان می‌شود: «بفرما داداش... خدمت شما». حمید، ساعت مچی‌اش را نگاه می‌کند؛ هنوز ۳۰دقیقه مانده تا باندها را روشن و میکروفن را به ورودی‌شان، اتصال دهد. پس، ابتدا تنظیمات آمپلی‌فایر را بررسی و بعد تلاش می‌کند نویز یا صدای فیدبک را از بین ببرد. گنجعلی‌نژاد توضیح می‌دهد: «اینجا، بچه‌ها هم سربازی امام‌حسین(ع) را یاد می‌گیرند و هم مهارت‌های متناسب با روز؛ از آشپزی حرفه‌ای حتی آنها که قبل از این نمی‌توانستند تخم‌مرغ آبپز کنند تا برنامه‌نویسی.»